

تأثیر قرض‌الحسنه در ایجاد امنیت اجتماعی



عبدالرحمن نجفی عمران
مدرس حوزه علمیه قم و دانشگاه بین المللی المصطفی(ﷺ)

یکی از نعمت‌های بسیار مهم الهی در عرصه‌ی اجتماعی، امنیت است، به‌گونه‌ای که پیامبر گرامی اسلام(ﷺ) در روایتی فرمودند: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ؛ دو نعمت هستند که بسیاری از انسان‌ها قدر آن را نمی‌شناسند؛ امنیت و عافیت». بنابراین بَر انسان‌هَا لازم است که هر چه بهتر و بیشتر به ایجاد و تداوم امنیت اجتماعی همت گمارد و یکی از چیزهایی که به ایجاد امنیت اجتماعی و تداوم آن یاری می‌رساند، قرض‌الحسنه است. از اینرو در مقاله‌ی پیش رو، تأثیر قرض‌الحسنه در ایجاد امنیت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌ایم و به بررسی آثار قرض الحسنه در امنیت اجتماعی می‌پردازیم.

یکی از عرصه‌های اثرگذاری قرض‌الحسنه، تأثیر آن در امنیت جامعه است و اعطای قرض‌الحسنه آثار فراوانی در عرصه‌ی امنیت اجتماعی دارد که برخی از آن عبارتند از:

۱- اجرای عدالت ودوری از ظلم در جامعه؛

اولین اثر قرض الحسنه در امنیت جامعه، اجرای عدالت ودوری از ظلم در جامعه است، زیرا هرچند هر آنچه بر روی زمین است، برای انسان آفریده شده است، چنان که در آیاتی از قرآن کریم آمده است:

الف- «هُوَ الَّذی خَلَقَ لَکُمْ ما فی الأَرْضِ جَمیعا؛ او خدایی است که همه آنچه در زمین استَ را برای شَما آفرید» (بقره:۲۹).

ب- «ولَقَد کرَّمنا بَنی آدم وحَمَلْناهُم فی البَرِّ والبَحْرِ ورَزَقناهُم من الطّیّبات وفَضَّلناهُم علی کثیر ممَّن خَلَقْنا تفضیلاً؛ مابنی آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خَشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آن‌ها روزی دادیم و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم» (اسراء:۷۰).

بر اساس آیات فوق، تمام نعمت‌های آسمان و زمین، برای انسان و در جهت خدمت به انسان آفریده شده است، همچنانکه در حدیث قدسی آمده است: «عبدی خلقت الأشیاء لأجلک و خلقتک لأجلی و وهبتک الدنیا بالإحسان و الآخرة بالإیمان؛ ای بنده‌ام، من همه اشیاء را به خاطر تو خلق کردم و تو را هم برای خودم آفریدم و دنیا را با احسان خود به تو بخشیدم و آخرت را هم به وسیله ایمان به تو دادم» (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۲۸۳ ـ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۷۱۰ ـ مدرسی، ۱۴۱۹: ۷/۱۶۴).

خداوند متعال با آنکه تمام نعمت‌ها را در اختیار انسان گذاشت، در عین حال دستور به توزیع عادلانه ثروت و رفع فاصله طبقاتی داده است و به همین جهت خمس و زکات را واجب نموده است، همچنانکه در بسیاری از روایات، فلسفه وجوب زکات، توزیع عادلانه ثروت بین افراد جامعه اسلامی و برطرف شدن نیاز نیازمندان دانسته شده است.

امام صادق(علیه‌السلام) در روایتی فرموده‌اند: «إنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لاَ يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتَوْا مِنْ قِبَلِ فَرِيضَةِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ أُتُوا مِنْ مَنْعِ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لاَ مِمَّا فَرَضَ اللهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ؛ خدای عزّ و جلّ به آن اندازه که برای فقرا کافی باشد، در اَموالَ اغنیا مقرر داشته است و اگر می‌دانست که این اندازه برای ایشان کفایت نمی کند، هر آینه آن را افزایش می‌داد،

سختی‌ها و تنگدستی‌هایی که به فقرا می‌رسد، ارتباطی به فریضه‌ی خدای عزّ و جلّ ندارد، بلکه این مشکلات از طرف کسانی به ایشان می‌رسد که از پرداختن حقّشان امتناع کرده‌اند و اگر مردم، حقوق فقرا را می‌پرداختند، هر آینه آنان به خوبی و خوشی زندگی می کردند»(عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۲۲۸ ـ تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۱/۲۴۵ ـ صدوق، ۱۳۸۶: ۲/۳۶۹ ـ صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۳).

آن حضرت در روایت دیگری فرموده‌اند: «إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَاراً لِلأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيراً مُحْتَاجاً وَ لَاسْتَغْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ إِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَ لَا احْتَاجُوا وَ لَا جَاعُوا وَ لَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ؛ همانا زکات برای آزمایش اغنیا و کمک به فقرا وضع شده است و اگر مردم، زکات اموال خود را **می‌پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی‌ماند و هر آینه با** سهمی که خدای عزّوجلّ برای او مقرّر فرموده است، مستغنی می‌شد و مردم، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده‌اند، مگر به علت گناهان اغنیا و خدای عزّوجلّ را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حقّ خدا، در مال خود را بازداشته است، بازدارد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۷).

از آنجایی که اجرای عدل و قسط و توزیع عادلانه ثروت، در ادیان الهی از جایگاه والایی برخوردار است و موجب آبادانی زمین می‌شود، خداوند متعال در نصوص فراوانی هم به آن دستور داده است و هم توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها، کنترل و نظارت بر حسن جریان امور و قیام به عدالت را در گرو پیروی از شرایع الهی است و در آیاتی نظیر«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ **بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها** کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند»(حدید: ۲۵)، فلسفه بعثت انبیاء (علیهم‌السلام) را اقامه قسط و عدل بیان نمود، زیرا هرچند بشر بتواند با علم و تجربه، الگوهایی برای نظام‌های اجتماعی طراحی کند، ولی تأمین عدالت، مقوله دیگری است که بشر به لحاظ تأثیرپذیری از نفع‌طلبی‌های فردگرایانه به یقین، به تنهایی از عهده آن بر نمی آید.

برای آبادانی زمین و اصلاح آن، اجرا و رواج عدل و قسط لازم است و هیچ چیزی پرفایده تر از آن نمی‌باشد، چنانکه امام صادق(علیه‌السلام) فرموده‌اند: مراد از آیه‌ی شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ خدا زمین را پس از مرگش احیا می گرداند» (حدید:۱۷)، احیای زمین به سبب باران نبوده، بلکه مراد آن است که خدا انسان هایی عدالت پیشه می آفریند و زمین از دو راه احیا می گردد:

۱) احیای عدل.

۲) اقامه حدودی که از بارش چهل شبانه روز برای زمین نافع‌تر است(کلینی،۱۴۰۷: ۷/۱۷۴ ـ طوسی،۱۴۰۷: ۱۰/۱۴۶ ـ عروسی حویزی،۱۴۱۵: ۴/۱۷۳).

بر اساس روایت مزبور، مراد از احیای زمین در آیه فوق، اقامه قسط و عدل بوده و با احیا از راه بارش باران فرق دارد.

با توجه به مطالب فوق، یکی از چیزهایی که در هر جامعه‌ای لازم و ضروری است، اجرای عدالت و رفع هر گونه تبعیض است که یکی از عرصه‌های آن، عرصه مالی است تا اموال، به گونه‌ی یکسان و عادلانه در دست همگان باشد و یکی از راه‌هایی که موجب توزیع عادلانه ثروت می‌شود، اعطای قرض الحسنه توسط اغنیا به نیازمندان است، بنابراین یکی از آثار قرض الحسنه در بُعد امنیت اجتماعی، اجرای عدالت و برطرف نمودن ظلم و تبعیض است.

۲- تربیت پذیری افراد جامعه در مقاطع مختلف؛

اصلی‌ترین و مهمترین هدف بعثت همه‌ی انبیای الهی(علیهم‌السلام)، تربیت افراد جامعه است و انبیای الهی(علیهم‌السلام) آمده‌اند تا افراد جامعه خویش را تربیت کنند، چنانکه در آیاتی از قرآن کریم آمده است:

الف. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ او کسی است که در میان جمعیّت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه:۲).

ب. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ خداوند بر مؤمنان منّت نهاد، هنگامی که در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند و آنان را پاک کند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد، هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند»(آل عمران:۱۶۴).

بر اساس آیات فوق، فلسفه بعثت همه‌ی انبیای الهی(علیهم‌السلام) تعلیم و تربیت انسان‌هاست، تا از آنان انسان‌های مترقّی‌ای بسازند که بتوانند همه عالم را تسخیر کنند و خلیفه‌ی الهی بر روی زمین باشند، چنانکه حضرت علی(علیه‌السلام) درباره‌ی فلسفه‌ی بعثت پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «بَعَثَهُ وَ النَّاسُ ضُلَّالٌ فِي حَيْرَةٍ وَ حَاطِبُونَ فِي فِتْنَةٍ قَدِ اسْتَهْوَتْهُمُ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَزَلَّتْهُمُ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَخَفَّتْهُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حَيَارَى فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأَمْرِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ فَبَالَغَ صلى الله عليه واله فِي النَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ خدا پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به سر می‌بردند، هوی و هوس بر آنها چیره شده و خود بزرگ بینی و تکبّر، به لغزش‌های فراوان کشانده بودشان و نادانی‌های جاهلیّت، پست و خوارشان کرده و در امور زندگی، حیران و سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی دامن‌گیرشان بود، پس پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) **در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد و آنان** را به راه راست راهنمایی و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۰۵).

تربیتی که ادیان الهی برای انسان‌ها به ارمغان آورده‌اند، شامل تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسانی، نظیر علمی، اخلاقی، نظامی، سیاسی و ... می‌شود و یکی از عرصه‌های آن، تربیت اقتصادی است که در مقابل تربیت مادّی گرایی وجود دارد و برای آنکه ادیان الهی، بتوانند تربیت اقتصادی را الهی محور نمایند و با متوجه عالم معنویت گردانند، راهکارهایی را ارائه نموده‌اند که با توجّه به آیات و روایات، می توان به آن پی برد. نظیر آنکه مجموع **زندگی انسانی را به عنوان یک پیکر دانسته و دستور داده است که** هنگام مشکلات و گرفتاری‌ها، بعضی از آنان به کمک دیگران برسند و آنان را یاری نمایند و از راه انفاق و یا اعطای قرض‌الحسنه به یاریشان بشتابند، چنانکه در آیاتی از قرآن کریم آمده است:

«الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ؛ آنها که نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می کنند، مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان درجات فوق العاده‌ای نزد پروردگارشان است و برای آنها آمرزش و روزی بی‌نقص و عیب است»(انفال:۴-۳).

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَةً وَ اللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ؛ کیست که به خدا قَرض الحسنه‌ای دهد، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که روزی بندگان را محدود، یا گسترده می‌سازد و به سوی او باز می گردید»(بقره:۲۴۵).

آیات فوق درصدد تربیت انسان در بعد اقتصادی است و عواملی را برای آن بیان می کند و می‌رساند که یکی از اهداف ادیان الهی، تربیت انسان‌ها در عرصه اقتصادی است و یکی از راهکارهای آن، اعطای قرض‌الحسنه به نیازمندان و همنوایی و همدردی با آنان در هنگام مشکلات و گرفتاری‌هاست، بنابراین یکی از آثار قرض الحسنه در عرصه امنیت جامعه را می‌توان تربیت پذیری افراد جامعه در مقاطع مختلف بیان نمود.

۳- اجتناب از اقتصاد ربوی و آثار مخرب وپیامدهای شوم آن

ازبدترین راه‌هایی که می‌تواند به مال‌اندوزی دامن بزند "رباخواری" است که در اسلام کسب ربوی، بدترین نوع کسب‌ها شمرده شده و در سوره روم، که نخستین زنگ خطر در زمینه‌ی رباخواری به صدا درآمده، می‌خوانیم: «ما آتَیْتُمْ مِنْ رِباً لِیَرْبُوَا فی أَمْوالِ النَّاسِ فَلا یَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ ما آتَیْتُمْ مِنْ زَکاةٍ تُریدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ؛ آنچه را از ربا به عنوان زیادی در اموال مردم می پردازید، سبب زیادت مقام و مرتبه در پیشگاه خدا نخواهد بود، امّا آنچه را به عنوان زکات برای رضای خدا می‌پردازید، آنها اموال شما را در حقیقت چند برابر می کند» (روم:۳۹).

در مرحله دوم، در سوره‌ی نساء وارد شده که چهار چیز سبب شد که ما "طیبات" را بر قوم یهود تحریم کنیم: ستمگری، بازداشتن مردم از راه خداوند، رباخواری و خوردن مال مردم از طریق باطل و در این‌باره آمده است: «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذینَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ طَیِّباتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ کَثیراً وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَکْلِهِمْ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ أَعْتَدْنا لِلْکافِرینَ مِنْهُمْ عَذاباً أَلیماً؛ به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد و به خاطر جلوگیری کردن بسیار، از راه خدا قسمتی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، تحریم کردیم و به خاطر رباخواری، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل، و برای کافران آنها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم» (نساء: ۱۶۰).

در مرحله سوم، در سوره آل عمران، لحن سخن داغ‌تر شده است و نوعی از ربا که در آن زمان رایج بود (ربای مضاعف) صریحاً مورد نهی قرار گرفته و در این‌باره آمده است: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتی أُعِدَّتْ لِلْکافِرینَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را چند برابر نخورید و از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است» (آل عمران: ۱۳۱ ـ ۱۳۰).

در مرحله چهارم، در سوره‌ی بقره، تحریم قاطع و نهی صریح با عبارات کوبنده‌ای بیان شده و آمده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا اللَّه و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من اللَّه و رسوله فان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون؛ ای مؤمنان تقوا پیشه کنید و آنچه از ربا باقی مانده است، رها سازید، اگر راستی ایمان دارید و اگر چنین نکنید، پس اعلان جنگ با خداوند و پیامبرش نمایید و اگر توبه کنید، اصل سرمایه‌های خود را می‌توانید، دریافت کنید که نه ظالم باشید و نه مظلوم» (بقره:۲۷۹ـ۲۷۸).

در احادیث اسلامی نیز در مورد رباخواری، بحث‌های فراوانی دیده می‌شود، چنانکه در روایتی آمده است:

الف. «شَرُّ الْمَکاسِبِ کَسْبُ الرِّبَا؛ بدترین درآمدها، درآمد ربا است» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۲۵).

ب. «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاکاً ظَهَرَ فِیهِمُ الرِّبَا؛ هنگامی که خداوند بخواهد جمعیتی را نابود کند، در آنها ربا را آشکار می‌شود» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۶۷۱).

ج. «مَنْ أَکَلَ الرِّبَا مَلأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَکَلَ وَ إِنِ اکْتَسَبَ مِنْهُ مَالاً لَمْ یَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَیْئاً مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ یَزَلْ فِی لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَةِ مَا کَانَ عِنْدَهُ قِیرَاطٌ؛ کسی که ربا بخورد، خدا شکمش را به مقداری که از ربا خورد، از آتش دوزخ پر سازد و اگر از ربا مالی کسب کند، خدا هیچ کاری را از او نپذیرد و همیشه به لعنت خدا و فرشتگانش گرفتار خواهد بود» (رشید الدین میبدی، ۱۳۷۱: ۱/۷۴۷).

دین اسلام، از طرفی با در نظر گرفتن تمام مضرات رباخواری مواجه شد و آن را تحریم نمود و از طرف دیگر، نیاز افراد ضعیف و ناتوان به قرض و گرفتن اموال از دیگران را در نظر گرفت و برای رفع نیاز نیازمندان، در مقابل ربا، عنوان قرض الحسنه را مطرح نمود که انسان‌های غنی، اموال خود را برای مدت معینی در اختیار نیازمندان قرار دهند، بدون آنکه چشم داشت گرفتن ربا و زیاده مال داشته باشند تا به این سبب نیازمندان نیز مشکلات خویش را برطرف سازند و راهی برای رهایی از مشکلات پیدا کنند و با ربا خواری در جامعه اسلامی و زیان‌های خانمان‌سوز آن مبارزه شود.

٤- ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه

از آنجایی که اسلام، دینی است که هر یک از دنیا و آخرت انسان را آباد می‌سازد و آنطور نیست که تک بُعدی بوده و منحصر در مباحث معنوی شود و دنیا را فراموش نماید و یا منحصر در دنیا شود و آخرت را از یاد ببرد، چنانکه در روایاتی، با توجه به ضرورت یکسان سازی نگرش به دنیا و آخرت، آمده است:

«احرث او اعْمَلْ لِدُنْیَاکَ کَأَنَّکَ تَعیشُ أَبَداً وَ اعْمَلْ لآخِرَتِکَ کَأَنَّکَ تَمُوتُ غَداً؛ چنان برای دنیایت تلاش کن که گویا برای همیشه در آن زندگی می کنی و چنان برای آخرتت کار کن که گویا فردا می‌میری» (ابن العربی، بی تا: ۳/۱۴۸۳).

به همین دلیل در فرهنگ اسلام، کار و تلاش، نه تنها مورد تأکید و تشویق قرار می گیرد، بلکه عبادتی بزرگ محسوب می‌شود.

ابن اثیر در شرح حال سعد انصاری (رضی الله عنه) می‌نویسد: «هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جنگ تبوک بر می گشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت شتافت و با وی مصافحه کرد، پیامبر فرمود: چه چیز باعث زبری دستت شده است؟

عرض کرد: ای رسول خدا! من برای تأمین مخارج خانواده‌ام، با بیل و کلنگ کار می کنم.

آن‌گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دست او بوسه زد و فرمود: این دستی است که آتش دوزخ آن را نمی‌سوزاند» (مکارم شیرازی، بی تا: ۲/ ۳۰).

دین اسلام برای آنکه بتواند دنیای انسان را به شکل مطلوبی اداره کند، یکی از دستوراتش در زمینه‌ی اقتصاد، رعایت توازن و تعادل اقتصادی بین افراد جامعه و کم کردن فاصله و اختلاف طبقاتی است، از این‌رو عواملی را در جهت کاهش اختلاف طبقاتی و ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه، در نظر گرفت، نظیر:

الف. وجوب خمس؛ تا مقداری از اموال اغنیاء، از دستشان خارج گردد و به فقراء برسد، تا فاصله کمتری بین آنان باشد، به همین جهت در قرآن کریم آمده است:

«وَ ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى رَسُولِه مِنْهُمْ فَما أَوْجَفْتُمْ عَلَيْه مِنْ خَيْلٍ وَ لا رِكاب وَ لكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلى مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ؛ آنچه را خدا به رسولش از آن ها باز گرداند، چیزی است گه شما برای به دست آوردن آن، نه اسبی تاختید و نه شتری، ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد، مسلط می سازد و خدا بر هر چیز قادر است» (حشر:۶).

«ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى رَسُولِه مِنْ أَهْلِ الْقُرى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكينِ وَ ابْنِ السَّبيلِ كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الأَغْنِياءِ مِنْكُمْ وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقاب؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا این اموال عظیم، دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد» (همان:۷).

ب. اعطای فیئ به مهاجران در صدر اسلام؛ تا در اثر آن، تعادل اقتصادی ایجاد شود و مهاجران، همواره نیازمند به انصار نباشند، چنانکه در سوره حشر آمده است: «لِلْفُقَراءِ الْمُهاجِرينَ الَّذينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ أَمْوالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْواناً وَ يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ این اموال برای مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند، آنها فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و راستگویانند» (همان:۸).

ج. تشریع قانون زکات؛ اسلام برای کم کردن فاصله طبقاتی در میان مسلمین قانون "زکات" را تشریع کرد و به ثروتمندان دستور داد تا سهم عادلانه‌ای از اموال و درآمدهای فردی خود را به عنوان زکات به بیت‌المال اسلام بپردازند، این اموال که روی هم رفته، رقم مهمّی را تشکیل می‌دهد، نقش مؤثّری در مبارزه با فقر و کم کردن فاصله طبقاتی و کمک به عمران و آبادی دارد، به گونه‌ای که در برخی روایات آمده است که مقدار زکات، به قدری دقیق تعیین شده که اگر همه کسانی که زکات بر آنها واجب است به وظیفه خود عمل کرده و آن را بپردازند، می‌توان به کلّی فقر را از جامعه اسلامی ریشه کن ساخت و وجود فقر، تنها به خاطر این است که عده زیادی از اطاعت این دستور حیاتی امتناع می‌ورزند و آنها در پیشگاه خداوند بزرگ مسئولند، چنانکه امام صادق(علیه‌السلام) در روایتی فرموده‌اند: «إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ فَلَوْ أَنَّ رَجُلاً حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا عَلَانِيَةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْه فِي ذَلِكَ عَيْبٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِه وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءُ فِيمَا أُوتُوا مَنْ مَنْعِ مَنْ مَنَعَهُمْ حُقُوقَهُمْ لَا مِنَ الْفَرِيضَةِ؛ خداوند عزّوجلّ زکات را مانند نماز فرض و مقرّر فرموده است و از این رو اگر کسی زکات را حمل کند و آشکارا و بر ملا عطا نماید، باکی بر او نیست و این بدان جهت است که خدای عزّ و جلّ مقدار تأمین نیازمندی‌های فقرا را در اموال اغنیا مقدّر و مقرّر نموده است و اگر می‌دانست که آن مقدار مفروض و معیّن، ایشان را کفایت نمی کند، هر آینه آن را برای ایشان می افزود و هر گونه تنگ دستی و صعوبت معیشتی که متوجّه فقرا شود، از جهت خودداری اغنیا از پرداخت حقوق ایشان است، نه از جهت مقدار زکات و نارسائی آن» (کلینی،۱۴۰۷: ۳/۴۹۸).

د. انفاق‌های مستحبّی؛ یکی دیگر از عوامل توزیع عادلانه ثروت و مبارزه با فقر و توسعه فاصله طبقاتی است، انفاق ممکن است نسبت به اشخاص انجام گیرد و یا به صورت مؤسسّات خیریّه‌ای در آید و با برنامه خاصی به وسیله نیکوکاران توزیع گردد و از این نظر تفاوتی نیست، بلکه صورت دوّم، غالباً مؤثّرتر و مفیدتر خواهد بود.

هـ. تشریع وقف؛ یکی دیگر از موضوعاتی که به هدف توزیع عادلانه ثروت و مبارزه با فقر و یا تمرکز سرمایه، کمک مؤثّری می کند، مسأله وقف و اموال عمومی است.

و. اعطای اموالی در قالب قرض الحسنه از سوی اغنیاء به نیازمندان؛ یکی دیگر از عواملی است که در جهت کاهش اختلاف طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت و امکانات مادّی در جامعه اسلامی اثر گذار است و به این ترتیب، یکی از آثار قرض الحسنه در بُعد امنیت اجتماعی را می توان ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه برشمرد.

۵- اجتناب از رقابت‌های ناسالم جامعه

پنجمین اثر قرض الحسنه در عرصه امنیت اجتماعی، جلوگیری و اجتناب از رقابت‌های ناسالم است، زیرا چنانچه سرمایه در یک جا جمع شود، فساد می آفریند و مفاسد اخلاقی فراوانی به دنبال دارد، به همین جهت از تکاثر و مال اندوزی در روایات نهی شده است، چنانکه در روایتی از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است: «سيصيب امّتی داء الامم، قالوا: و ما داء الامم؟ قال عليه السّلام: الأشر و البطر و التكاثر و التّنافس فی الدّنيا و التباغد و التحاسد حتّى يكون البغی ثمّ الهرج؛ به زودی بیماری امّت‌ها، امّت مرا فرامی گیرد! عرض کردند: بیماری امّت‌ها چیست؟ فرمود: هوس‌رانی و عیّاشی و فزون‌طلبی، مسابقه در دنیاپرستی، اختلاف و نفاق و حسد نسبت به یکدیگر و سرانجام به ظلم و ستم و سپس به هرج و مرج مبتلا می شوند» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳/۶۴۵).

در روایت فوق، تکاثر و انباشتن اموال بر همدیگر، یکی از آسیب‌های اخلاقی است که پیامبر(ص) برای مردم آخر الزمان، پیش‌بینی می کند، زیرا تکاثر و محبّت اموال، از اموری است که می‌تواند مشکلاتی را فراهم آورد و مردم را وادار به رقابت‌های ناسالم نماید تا در اثر آن، به اموال بیشتری برسند و دشمنی‌ها و جنگ‌های فراوانی به وجود آورد، زیرا مردم انگیزه‌های فراوانی برای حرکت به سوی مادّیات و گسترش زندگی اقتصادی دارند و اگر عواملی آنها را کنترل نکند، چنان شتاب می گیرند که تمام حدّ و مرزهای اخلاقی را شکسته و به سوی حرص و تکاثر و مسابقه در ثروت اندوزی می تازند، به همین جهت امام سجّاد(علیه‌السلام) در روایتی فرموده‌اند: «معاشر أصحابی أوصيكم بالآخرة و لست اوصيكم بالدنيا فإنّكم بها مستوصون و عليها حريصون و بها مستمسكون؛ یاران من! من شما را به جهان آخرت توصیه می کنم و درباره دنیا، سفارش نمی کنم، زیرا شما، نسبت به آن سفارش شده‌اید و بر آن حریص هستید و به آن چنگ زده‌اید» (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

اسلام از راه‌های مختلفی، نظیر پرداخت خمس و زکات و صدقات مستحبی و کفارات و ...، با تکاثر و زراندوزی مقابله نمود که یکی از آن را می توان قرض الحسنه بیان نمود تا آدمی به جای آنکه تمام عمر خود را در زر اندوزی و آسیب‌های آن ـ که یکی از آن رقابت‌های ناسالمی است که بین انسان‌ها اتفاق می افتد و هر فردی در صدد آن است تا تفوّق اقتصادی خود را به رخ دیگران بکشاند و رقبای خود را شکست دهد، تا خود بهتر و بیشتر سود کند و به دنیای بیشتری برسد ـ به سر نبرد، بلکه مقداری به فکر آخرت خویش باشد و برای بهره‌مندی از ثواب‌های اخروی و درجات بهشتی، قسمتی از اموال خود را به شکل قرض الحسنه در اختیار فقرا و نیازمندان بگذارد، تا آنان نیز بتوانند از زندگی بهتری بهره‌مند شوند.



٦- ایجاد وحدت ودوری از اختلافات و مشاجرات

ششمین اثر قرض‌الحسنه در عرصه‌ی امنیّت اجتماعی، ایجاد وحدت و همدلی بین تمام افراد جامعه و دوری از اختلافات و مشاجرات است، زیرا چنانچه اغنیا، در موارد مختلف به یاد فقرا و نیازمندان باشند و مزه‌ی نداری و فقر را بچشند و با آنان همدلی نمایند، نوعی وحدت و برادری بینشان برقرار می گردد و هرگونه عقده و کینه و خصومتی را از بین می‌برد، زیرا زندگی اجتماعی بشر نیاز به تقسیم استعدادها و جاذبه‌های مختلف فکری و جسمانی و برنامه‌ریزی دقیق و تقسیم کار و همچنین نیاز به هماهنگی و همدلی و الفت میان دل‌ها دارد و افراد بشر، همچون آجرها و سنگ‌ها و قطعات مختلف یک ساختمان هستند که تا وسیله چسب و پیوند مؤثّر در میان آنها نباشد، ساختمان با شکوهی از آن تشکیل نمی‌شود، یعنی هم باید اختلاف در اموری نظیر اموال و استعدادها و دانش‌ها و تجربه‌ها و ... باشد، تا یکی کارخانه داشته و دیگری نزد او کار کند، یکی استاد و آموزگار بوده و دیگری از او دانش بیاموزد، یکی متخصص در فنّ خاصّی بوده و دیگری برای رفع نیاز خویش، به او مراجعه کند و ...، تا زمینه‌ی اشتغال در جامعه پیش آید و کسب و کار ایجاد شده و رونق گیرد و از طرف دیگر، افراد جامعه، با روحیه وحدت و همدلی و برادری با یکدیگر برخورد نمایند، تا انس و الفت در آنان ایجاد شود و هر گونه نزاع و اختلافی از بین برود.

یکی از راه‌هایی که وحدت و همدلی در بین افراد جامعه ایجاد می‌نماید و آن را افزایش می‌دهد، آن است که اغنیا، به فکر نیازمندان باشند و در روز بیچارگی و درماندگی به آنان قرض بدهند و آبرویشان را حفظ نمایند، تا به این واسطه، آبروی نیازمندان حفظ بماند و در آنان عقده حقارت ایجاد نشود، بنابراین یکی از آثار قرض‌الحسنه در عرصه‌ی امنیّت اجتماعی، ایجاد وحدت و همدلی بین تمام افراد جامعه و دوری از اختلافات و مشاجرات است.

جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از عرصه‌هایی که قرض‌الحسنه در آن اثرگذار است، عرصه‌ی امنیت اجتماعی است، زیرا قرض‌الحسنه موجب اجرای عدالت و دوری از ظلم، تربیت پذیری افراد جامعه در مقاطع مختلف، اجتناب از اقتصاد ربوی و آثار مخرّب آن، ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه، اجتناب از رقابت‌های فاسد در جامعه و ایجاد وحدت و دوری از اختلاف و مشاجرات در جامعه می گردد و به این واسطه موجب ایجاد امنیت در جامعه می‌شود.

منابع:

۱- قرآن کریم.
۲- نهج البلاغه.
۳- ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابی بکر، احکام القرآن، بی جا، بی تا.
۴- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دار الکتب العلمیهٔ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ ق.
۵- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن، بی جا، بی تا.
۶- تمیمی مغربی، ابو حنیفه نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، دوم، ۱۳۸۵ هق.
۷- حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق اسرار الیقین فی انوار امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اعلمی، بیروت، اول، ۱۴۲۲ هـ ق.
۸- حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیهٔ فی الاحادیث القدسیهٔ، انتشارات دهقان، تهران، سوم، ۱۳۸۰ هـ ش.
۹- رشید الدین میبدی، احمد بن ابی¬سعد، کشف الاسرار و عدهٔ الابرار، امیر کبیر، تهران، پنجم، ۱۳۷۱ هـ ش.
۱۰- زحیلی، وهبهٔ بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیدهٔ و الشریعهٔ و المنهج، دار الفکر المعاصر، بیروت، دوم، ۱۴۱۸ هـ ق.
۱۱- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ هـ ق.
۱۲- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الامالی، کتابچی، تهران، ششم، ۱۳۷۶ هـ ش.
۱۳- صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، کتابفروشی داوری، قم ، اول، ۱۳۸۶ هق.
۱۴- صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۳ هق.
۱۵- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ هـ ش.
۱۶- طوسی، ابو جعفر،محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیهٔ، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هق.
۱۷- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، چهارم، ۱۴۱۵ هـ ق.
۱۸- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، سوم، ۱۴۲۰ هـ ق.
۱۹- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران، اول، ۱۳۶۴ هـ ش.
۲۰- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیهٔ، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هق.
۲۱- مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران، اول، ۱۴۱۹ هـ ق.
۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، موسوعهٔ الفقه الاسلامی المقارن، بی جا، بی تا.
۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، الخطوط الاساسیهٔ للاقتصاد الاسلامی، مدرسهٔ الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، اول، ۱۴۲۵ هـ ق.
۲۴- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعهٔ فی شرح نهج البلاغه، مکتبهٔ الاسلامیهٔ، تهران، چهارم، ۱۴۰۰ هـ ق.